

## علوم انسانی: سامان‌دهنده و هدایتگر فعالیت‌های جامعه

محمد نقی‌زاده

### چکیده

توجه به دو نکته اساسی نشان خواهد داد که علوم انسانی به مثابه فضای همه فعالیتها و رفتارهای جامعه ایفای نقش می‌کنند؛ و به موازات و حتی در طول سایر علوم نیستند. این دو نکته عبارتند از:

آثار و مظاهر و تجلیات عینی و کالبدی هر جامعه، هر تمدن، هر دین یا هر مکتب فکری در سه گروه اصلی "انسانها"، "آراء" و "کالبد" ظهور و بروز می‌کنند؛ که اصلی‌ترین مصادیق هر گروه عبارت از: "انسانها" یا تربیت‌یافتگان شامل اسطوره‌ها، هنرمندان، ادبا، دانشمندان، متفکرین، رهبران و عرفا هستند؛ "آراء" در بر گیرنده نظریاتی می‌باشند که در قلمرو ادبیات، حکمت، فلسفه، تفاسیر، علم و عرفان از سوی تربیت‌یافتگان یک تفکر رایج شده‌اند؛ و "کالبد" که مجموعه آثار و هنرهایی از قبیل شهرها، معماری، نقاشی، موسیقی، صنایع و سایر آثار کالبدی و عینی هستند.

• از طرف دیگر، در فرایند ظهور هر پدیده‌ای توسط انسان سه مرحله "اندیشه"، "عمل" و "ظهور" قابل شناسایی است. به بیان دیگر، ظهور عینی هر پدیده و هر رفتار و هر اثری، بدو منوط به شکلگیری آن در فضای اندیشه و به استناد و بر پایه مبانی فکری و جهانی انسان است. پس از شکل‌گیری ذهنی موضوع، رفتارها و بهره‌گیری از منابع طبیعی آن را (در جهت پاسخگویی به نیازهای انسان و یاری رساندن به آرمانها و اهداف حیاتش، که اینها را نیز جهانی‌بینی او تبیین و تعریف کرده‌اند) منجر به ظهور یا تولید موضوع مورد نظر می‌شود.

• به این ترتیب است که "علوم انسانی" که با اندیشه و جهانی‌بینی و تربیت انسان سروکار دارد و فضای فکری او را سامان و جهت می‌دهد دارای اهمیت در خور توجهی

بوده و نباید این علوم را به عنوان علمی در کنار سایر دانشها و آگاهیها و فعالیتهای انسان نگریست. فراتر از آن، علوم انسانی باید هدایتگر فضای اندیشه و راهنمای آحاد جامعه و نهادها و تشکیلات مختلف باشند. علاوه بر این، قابل توجه است که مباحث علوم انسانی و به عبارت دیگر، علوم پایه مطرح در قلمرو علوم انسانی که همان جهانبینی انسان و باورهای او هستند باید هادی و راهنمای علوم انسانی باشند.

مقاله حاضر بر آن است تا ضمن مطرح کردن دو موضوع اصلی "فرایند ظهور و خلق آثار انسانی" و "تبیین نقش علوم انسانی در این فرایند"، به این اصل برسد که علوم انسانی باید فضای اندیشه و راهنمای علم و عمل باشند و نه علمی منفک از سایر موضوعات. و در عالم واقع نیز چنین است؛ و اعلام شده یا اعلام نشده، جهانبینی و فرهنگ و باورها و علوم انسانی رایج در میان هر جامعه، مردمان را (اعم از عام و خاص) در همه فعالیتهای و رفتارهایشان راهبری می کنند.

**کلیدواژه‌ها:** علوم انسانی، جهان‌بینی اندیشه، فرهنگ، تمدن

## مقدمه

در فرایند ظهور "آثار" یک تمدن و یک جامعه، "اندیشه" (یا نظر) و "رفتار" (یا عمل) نقشی بنیادین ایفا می کنند، که به ترتیب، از آنها به "جهان‌بینی" (به عنوان فضای اندیشه و تفکر) و "فرهنگ" (به عنوان فضای عمل و رفتار) تعبیر می کنیم. نکات ظریفی که در این زمینه وجود دارند، بی توجهی به فضای اندیشه (یا همان علوم انسانی) و همچنین تقلید و تکرار مبانی فکری (و حتی الگوهای عینی) بیگانه است که تداوم تاریخی یک تمدن را با مشکل مواجه نموده است. مقایسه آثاری که در گذشته ایران ایجاد شده‌اند با آثاری که در قرن حاضر ساخته شده‌اند نشان می دهد که فرایندی که در باره ظهور و خلق آثار انسانی ذکر شده در مورد آثار گذشته مصداق دارند، اما این فرایند در باره آثار معاصر عموماً دچار نقص یا تناقض می باشد. علت اصلی این اشکال می توان در تقلیدی بودن مبانی و روشهای طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد آثار دانست که بر مبانی و اصول جانبینی و فرهنگ اصیل ایرانیان تطبیق ندارند.